

واژه نامه  
توصیفی  
نشانه شناسی

مجموعه واژه‌نامه‌های توصیفی لوگوس:

۱. واژه‌نامه توصیفی نشانه‌شناسی، براونون مارتین و فلیزیتاس رینام، ترجمه مهدی

منتظرقائم، زهرا اسدی

۲. واژه‌نامه توصیفی زبان‌شناسی شناختی، ویویان اوانز، ترجمه حدائق رضایی،

مینا قندهاری

**Dictionary of Semiotics**  
Bronwen Martin and Felizitas Ringham  
Cassel Publications 2000

Persian translation published by  
© Logos Publications 2019



# واژه‌نامه توصیفی نشانه‌شناسی

برانون مارتین، فلیزیتاس رینام

ترجمه

مهدی منتظر قائم

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

زهرا اسدی

دکترای علوم ارتباطات



لوگوس

سرشناسه	مارتین، برانون Martin, Bronwen
عنوان و نام پدیدآور	واژه‌نامه توصیفی نشانه‌شناسی / برون‌ون مارتین، فلیزیتاس رینام؛ ترجمه مهدی منتظرقائم، زهرا اسدی؛ ویراستار مهدی وجدانی.
مشخصات نشر	قم: لوگوس، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۲۶ ص.؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۳۳-۵-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Dictionary of Semiotics, 2000.
موضوع	نشانه‌شناسی -- واژه‌نامه‌ها
موضوع	Semiotics -- Terminology
شناسه افزوده	رینگهام، فلیزیتاس Ringham, Felizitas
شناسه افزوده	منتظرقائم، مهدی، ۱۳۴۵ - مترجم
شناسه افزوده	اسدی، زهرا، مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ و ۲/م/۲۹۹۹ P
رده‌بندی دیویی	۳۰۲/۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	۵۰۶۵۱۶۰



### واژه‌نامه توصیفی نشانه‌شناسی

ترجمه مهدی منتظرقائم و زهرا اسدی

ویراستار: مهدی وجدانی

طراح جلد: حسین راست‌منش

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۳۳-۵-۵

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی،

اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

موبایل مرکز پخش: ۰۹۰۲۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه آنلاین

[www.irlogos.com](http://www.irlogos.com)

## فهرست

- مقدمه مترجمان..... ۱
- پیشگفتار..... ۷
- چگونه از این واژه‌نامه استفاده کنیم؟..... ۹
- مقدمه..... ۱۱
- نشانه‌شناسی چیست؟ نشانه‌شناسی یعنی چه؟..... ۱۱
- تاریخچه کوتاه نشانه‌شناسی و مکتب پاریس:..... ۱۳
- نشانه‌شناسی به مثابه ابزاری برای تحلیل..... ۱۹
- لایه گفتمانی..... ۲۰
- لایه روایی..... ۲۱
- لایه عمیق یا انتزاعی..... ۲۵
- تعاریف واژه‌ها..... ۲۷
- افسانه زیبای خفته..... ۱۸۱
- تحلیلی نشانه‌شناختی از افسانه زیبای خفته..... ۱۸۵
- سطح گفتمانی..... ۱۸۶
- مؤلفه استعاری..... ۱۸۶
- مؤلفه خطابی..... ۱۹۳
- سطح روایی..... ۱۹۳
- سطح عمیق..... ۲۰۰
- متن و بافت..... ۲۰۲
- الف) زیبای خفته می‌تواند به‌عنوان مظهر نگرش‌های کلیشه‌ای در ذهن مجسم شود. ... ۲۰۲
- ب) اما تأثیر زیبای خفته بر خوانشگر کاملاً منفی نیست. .... ۲۰۵
- کتاب‌نامه..... ۲۰۷
- واژه‌نامه انگلیسی به فارسی..... ۲۱۱
- نمایه..... ۲۲۱



## مقدمه مترجمان

عاقلان نقطه پَرگار وجودند ولی  
عشق داند که در این دایره سرگردانند  
(لسان الغیب حافظ)

شاید بتوانیم این مقدمه را با ادعایی کهن و نو - اما هنوز هم بس کوچک و بزرگ - شروع کنیم که هر و همه درد و دغدغه هر و همه ما انسان‌ها رسیدن نظری و عملی به تعریفی از خویشتن انسانی ما در درون دوایر تودرتوی دایره وجود است. این وجود رمزآلود انسان از عدم به عالم وجود پانهاد، توأمان هیچ و همه چیز است؛ توانشی بی‌پایان برای شدن، یک بالقوه محض، اما دارای امکان تحقق یافتن از ذیل خلقت تا صدر آن؛ ذره‌ای افتاده در گردباد هستی، اما قابل شریک شدن در تقدیرگری طوفان. آری، شاید بتوان با این ادعا شروع کرد که ما را گریز و گزیری از تعین و تحقق بخشیدن به خودمان در عالم ممکنات نبوده است: ذات ما را با عصاره شدن و دگرگونی، شناختن و ساختن، دیدن و گفتن ساخته‌اند. از این روست که انسان را حیوان ناطق، شدنی، شناسنده، سازنده، ارتباط‌گر، نمادساز و نظایر این‌ها دانسته‌اند - موجودی مبتلا به بار امانت؛ باز شاید همان تعهد به هروله بین جبر و اختیار، ماندن و رفتن، هیچ و همه، خاک و افلاک، ناسوت و لاهوت.

عارفان، فلاسفه و اندیشه‌گران همه ملل در طول همیشه تاریخ جز در پی پاسخ به همین سؤال آغازین (و تبعات بی‌شمار نظری آن) نبوده‌اند و، لاجرم، جز به رؤیت یکی از رویه‌های متعدد آن نرسیده‌اند و، در نهایت، جز به ارائه روایتی ناقص از عظمت این بالقوگی و شونذگی بشر در گستره هستی، زبان نگشوده‌اند. بدیهی است که نیل به

پاسخ درست در مواقعی و برای برخی به شکل اصلاح و تغییر سؤال قدیم جلوه نموده است. تلاش برای تنقیح سؤال از چیستی بشر، از دوران قدیم به این نتیجه انجامیده است که در تفسیر فلاسفه، زبان به مثابه ابزار انسان شناسنده برای ارتباط ادراکی با موضوع مورد شناخت خود (از جمله شامل انسان و/در جهان) به واسطه تحقق انسان در جهان تبدیل می‌شود؛ به بیان ساده، زبان ابزار و بستر شناخت دیالکتیکی ما از بالقوه و بالفعل توأمان من و هستی است و لاجرم، ابزار و بستر شدن و حرکت از اولی به دومی. زبان، گویی این نقش بنیادین را دارد که ما را با واقعیت و حقیقت روبرو کند و در این رویارویی با کشف ماهیت‌ها، تحقق هویت انسان را ممکن سازد.

در این راستا، یکی از مهم‌ترین اکتشافات فلسفی و شناختی انسان معاصر از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بدین سورا باید چرخش زبان شناختی دانست. فلاسفه بسیاری در این مقطع بر آن شدند با بازاندیشی در ماهیت زبان و کارکرد آن در نیل به ادراک فلسفی، زبان را (باز-)تعریف و نقش آن را (باز-)کشف کنند. ذکر این نکته ضروریست که چرخش زبان شناختی در امتداد چرخش از هستی‌شناسی به شناخت‌شناسی رخ نموده است؛ در اولی واقعیت امری محض و عینی دانسته می‌شد و زبان شاهد و راوی و حامل حقیقت - یعنی بیان منطبق با واقعیت - حال آن که دومی به تردیدافکنی در این گزاره‌های بنیادی و نتایج منطقی آن‌ها می‌پردازد و واقعیت و لاجرم حقیقت را از دسترس مستقیم عقل و ادراک بشر به فراسوتر می‌کشد. به بیان دیگر، نه انسان توان دیدار جز با پدیداری سایه‌گون از واقعیت را دارد و نه زبان‌آوری وی قابلیت عرضه شرح و بیانی حقیقی از تجارب ادراکی وی را. زبان در زبان‌شناسی معاصر نه بازتابی تابع و بازنمایی سالم از واقعیت بلکه سازنده آن است و واژگان و قواعد ترکیب و بکارگیری آن‌ها در اصل چگونگی و حتی چیستی و چرایی واقعیت را برای انسان کاربر هر یک و همه زبان‌های بشری قبل از تجربه مستقیم با واقعیت معین می‌کند و هر روایت زبانی نیز بر بنیان زبان و بیان روایت‌گران خود استوار شده است. زبان به واسطه‌ای تبدیل شد که انسان را از دالان واقعیت به دیدار و روایت حقیقت رهنمون نمی‌شود و گویی همه شدن انسان در درون همین زبان ماهیتاً خود-واقعیت و خود-حقیقت-پندار آغاز و انجام می‌یابد. انسان معاصر شناخت‌شناختی و زبان‌شناختی



گویی در زبان حافظ، محکوم به تجربه کردن سرگردانی ابدی در دایره هستی و اعتراف به این سرگردانی می‌شود - باشد که سرگرانی نکناد و دل عارف به عطش عشق دهاد!

چرخش زبان شناختی مزبور در میدان تعامل دوسویه فلسفه و زبان خود برآیند و، به نوبه خود، بستر جریان‌های فکری و فلسفی متعددی در تمام شاخه‌ها و نحله‌های مرتبط با این دو و، با توجه به اساس بودن آن‌ها در تمام معارف بشری، در شاخه‌های عدیده علوم و معارف انسانی و اجتماعی بوده است. نشانه‌شناسی از جمله این شاخه‌هاست؛ رویکردی که زبان را یک نظام نشانه‌ای و واژگان تشکیل دهنده آن را به مثابه نشانه تفسیر می‌کند. نشانه نیز در نشانه‌شناسی نه بازتاب و حامل (حتی شمه و تکه‌ای از) واقعیت عینی، بلکه به مثابه عنصری دارای هستی مادی برای رجوع و اشاره به مفهوم و معنای درون ذهن کاربر نگریسته می‌شود.

بدیهی است که ظهور، رواج و استیلای فن‌آوری‌های بازنمایی و ارتباطاتی در طول قرن بیستم نقش بسزایی در ایجاد و مقبولیت نسبی نشانه‌شناسی داشته است. به باور نشانه‌شناسان ما در عصر نشانه‌ها زندگی می‌کنیم و زندگی روزمره انسان معاصر در تعامل با دریایی از نشانه‌های حاضر در همه زمان‌ها و مکان‌ها شکل می‌گیرد. از آن جا که کارکرد نشانه‌ها تولید معناست، نشانه‌ها بدون درک معانی‌شان توسط دریافت‌کنندگان ارزش نخواهند داشت. در نتیجه، سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر در ارزشمندسازی نشانه‌ها به توجه هر چه بیشتر به چگونگی برساخت معانی توسط سازندگان نشانه‌ها و تمهید هر چه اثرمندتر شدن آن‌ها در برساخت معانی از سوی دریافت‌کنندگان منجر می‌شود. نشانه‌شناسی به عنوان علم نشانه‌ها با تحلیل نشانه‌ها به ساخت معنا و ظرایف و دقایق آن برای افزایش اثر و دریافت معانی انطباقی یا، در سوی دیگر به مقاومت در برابر آن، کمک می‌کند.

معانی درون پیام‌های منتقل شده نیستند، بلکه بافتار معنایی خودآگاه و ناخودآگاه ذهن خالق و کاربر نشانه‌ها در درون رمزگان پیام‌ها نهفته شده است و، در جایگاه مصرف و دریافت، به وسیله دریافت‌کننده رمزگشایی، تفسیر و باز-آفرینی می‌شوند. نشانه‌شناسی نحوه برساخت معانی از طریق تفسیر نشانه‌ها را به ما می‌آموزد و در واقع فرآیند دلالت و معناسازی از نشانه‌ها را شکل می‌دهد. علم نشانه‌شناسی نه به مطالعه نشانه‌ها به تنهایی بلکه به کارکرد آن‌ها در ارتباط با نشانه‌های دیگر موجود

در نظام نشانه‌ای می‌پردازد و تفسیر ترکیبی از نشانه‌های جایگزین و هم‌نشین را میسر می‌کند. به عبارت دیگر، نشانه‌ها در تعامل با یکدیگر و در درون فرآیندی پیچیده بر پایه تفاوت و تقابل نشانه‌ای منجر به آفرینش معنا می‌شوند.

فضای معرفتی و دانشگاهی ایران نیز در دهه‌های اخیر از امواج نشانه‌شناسی معاصر جهانی متأثر شده، رشته‌های متعدد علوم انسانی و اجتماعی آغوش خود را برای پذیرش (هم‌نو یا انتقادی) مبانی نظری و روش‌شناختی آن گشوده است. تعداد فزاینده درس‌ها، کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، تحقیقات و سایر قالب‌های کنشی و ژانرهای تولید دانشگاهی را می‌توان نشانه اقبال روزافزون دانشگاهیان و محققان ایران به نظریات و مطالعات نشانه‌شناختی دانست. اما، افسوس که بنا به علل و دلایل عدیده (که این مقدمه جای بحث آن‌ها نیست و، لاقلاً، ترس از ملال خوانندگان ما را به اجتناب از اطناب کلام وامی‌دارد) مبحث نشانه‌شناسی و تولیدات نشانه‌شناسانه در ایران نیز همانند بسیاری از موضوعات نظری و روش‌شناختی دیگر با نقصان‌های جدی روبروست و با آزمون و خطا و اتکا به منابع نوشتاری آمیخته با اشتباهات راه خویش را بسوی آینده‌ای انشاءالله بالنده و پویا می‌پیماید. یکی از انتقادات تأسف بار به فضای معرفتی و دانشگاهی در ایران، هرچه تنگ‌تر شدن امکان نظری و عملی برای تولید (اعم از تألیف و ترجمه) متون وزین و جدی است.

به باور ما درخت بالنده و بنای رفیع معرفت مثل هر ساخت دیگری از ریشه‌ها و اساس تا بدنه و شاخ و نما تشکیل می‌شود و بدون ریشه و اساس، هر ساختی قطعاً نحیف و متزلزل خواهد بود. از مهم‌ترین بنیان‌ها و مخازن معرفت علمی می‌بایست فرهنگ‌های لغات و اصطلاحات و نیز دائرةالمعارف‌ها را محسوب کرد. این منابع - در کنار کتاب‌های ترجمه‌شده از تألیفات دانشمندان و محققان درجه اول و دارای اعتبار مسلم جهانی - پایه‌های اصلی معارف علمی را تشکیل می‌دهند و تنها با تکیه بر آن‌هاست که می‌توان به لحاظ نظری و تحقیقاتی بالید و با درک و درونی‌سازی گفته‌های دیگران، به بومی‌سازی نظریه‌ها و تولید رویکردهای محلی و، در نهایت، مشارکت در کاروان معرفت بشری دست یازید و کمک کرد. متأسفانه، در جامعه ما منابع دارای اهمیت کم‌تر به دلیل انطباق بیش‌تر با مصالح بازار نشر امکان ترجمه و

انتشار بیش تری می یابند و فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌ها همراه با تألیفات درجه اول شناخته شده جهانی روزبه‌روز ناشناخته‌تر و حاشیه‌ای‌تر می‌شوند.

انتخاب واژه‌نامه نشانه‌شناسی حاضر برای ترجمه در چنین فضایی و براساس چنین قضاوتی بر ما فرض شده است. این فرهنگ لغات و اصطلاحات با بذل توجه ویژه به نظریات مکتب نشانه‌شناسی پاریس و به ویژه بنیانگذار آن ای. جی. گریماس (A. J. Greimas; ۱۹۱۷-۱۹۹۲) شرح مفید و مختصری از ۲۵۷ واژه و اصطلاح تخصصی نظری و تحقیقی به دست می‌دهد. مدخل‌ها علاوه بر تعریف غالباً حاوی مثال‌های کاربردی نیز هستند. کتاب حاضر در فضای معرفتی غرب نیز به دلیل موفقیت در به دست دادن تعریف و شرحی مختصر از اصطلاحات نظری و به ویژه مدل‌های به کاررفته در روش‌شناسی مطالعات نشانه‌شناسی فرانسوی مورد تقدیر قرار گرفته است. کتاب، مقدمه‌ای نسبتاً مکفی دارد که نویسندگان در مباحث آن علاوه بر تعریف نشانه‌شناسی به تاریخچه و بنیان‌های نشانه‌شناسی اروپایی و فرانسوی (مکتب پاریس) پرداخته، سپس ملاحظات کلی روش‌شناختی در تحلیل نشانه‌شناختی مرتبط با سطوح گفتمان و روایت را شرح داده‌اند. نویسندگان در پایان کتاب نیز کاربرد روش‌شناسی مزبور را به طور عملی و با نوعی زیبایی بیدارگونه با تحلیل داستان زیبای خفته به نمایش گذاشته‌اند.

کتاب حاضر، هر چند در سال ۲۰۰۰ میلادی منتشر شده اما به اعتراف برخی از متخصصان صاحب‌نظر نشانه‌شناسی در کشور در زمره منابع بسیار مهم و معتبر در این حوزه و به ویژه مکتب پاریس و گریماس محسوب می‌شود. قدیمی بودن نسبی این فرهنگ از ارزش علمی و کاربردی آن، به ویژه در مطالعات و تحقیقات معطوف به نشانه‌شناسی متون ارتباطی، نمی‌کاهد چرا که غالباً به مفاهیم پایه و پایدار پرداخته شده است.

نویسندگان کتاب، خانم‌ها برانون مارتین و فلیزیتاس رینگهام هر دو دانش‌آموخته رشته‌های نشانه‌شناسی و ادبیات (به ویژه ادبیات معاصر فرانسه) هستند و نسبت به موضوع کتاب خود، دانشی عمیق، گسترده، نظری و مطالعاتی دارند. خانم مارتین قبل از کتاب حاضر و در سال ۱۹۹۷ کتابی با عنوان *نشانه‌شناسی و داستان‌گویی*؛

مقدمه‌ای بر تحلیل نشانه‌شناسی<sup>۱</sup> را منتشر کرد و یکی از سه نویسنده کتاب تحلیل گفتمان فرانسوی (منتشر شده در سال ۲۰۰۰ توسط انتشارات فیلومل) بوده است.

امید می‌رود ترجمه این کتاب بتواند، ضمن تأکید بر اهمیت منابع و مآخذ علمی مهم و معتبر، کمکی هرچند اندک به بالندگی و رشد دانش قابل انتظار از محققان ایرانی بنماید. ما در ترجمه واژه‌نامه حاضر و بالاخص در انتخاب معادل‌ها وسواسی - نه در خور خوانندگان، بل حداقل - در حد توان را مبذول کرده‌ایم. در ابتدا بیش از ۳۰۰ عبارت و اصطلاح کلیدی متن را استخراج کردیم و سپس با صرف چند ماه وقت معادل‌های ارائه‌شده برای آن‌ها را در بیش از ده مورد از معتبرترین تألیفات و ترجمه‌های موجود در کشور استخراج و مقایسه کردیم. در این مرحله و قبل از ترجمه متن با کمک بی‌دریغ جناب آقای دکتر سید علی اصغر سلطانی، دوست و همکار فرهیخته و متخصص زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی و مدیر مسئول محترم انتشارات وزین لوگوس، انتخاب نهایی معادل‌ها صورت گرفت. البته، طولانی شدن زمان ترجمه به حدود دو سال نعمت فرصت بازبینی را فراهم نمود و برخی معادل‌ها و متن نهایی قبل از چاپ مجدداً مورد تجدید نظر قرار گرفت. امیدواریم این کتاب مورد توجه متخصصان و محققان حوزه‌های مطالعات/نقد ارتباطات و رسانه‌ها، فیلم، ادبیات، داستان، گفتمان، روایت و نیز شاخه‌های دیگر علوم انسانی و اجتماعی قرار بگیرد. همچنین، امیدواریم مترجمان و صاحب‌نظران معزز ما را مدیون و مرهون نقد و نظر خود سازند تا سهم ناچیز ما در ترجمان واژگان و اصطلاحات حوزه نشانه‌شناسی به کاروان پویای معرفت گره خورد.

دکتر مهدی منتظر قائم (عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشگاه تهران)

دکتر زهرا اسدی (دکترای ارتباطات از دانشگاه تهران)

## پیشگفتار

در اواسط دهه ۱۹۸۰، پروفیسوری به کالج برک‌بک<sup>۱</sup> لندن آمد تا دربارهٔ نشانه‌شناسی سخنرانی کند. او مُسن، نسبتاً کوتاه و نجیب‌زاده‌ای بی‌تکلف بود که به فرانسه سخن می‌گفت و برای ما داستان ساده‌ای درباره میمونی که موز می‌خواست و برای گرفتن آن به چوب‌دستی نیاز داشت، تعریف کرد. آن نجیب‌زاده، آلگیرداس ژولین‌گریماس<sup>۲</sup> اهل لیتوانی بود که آن روز - با اصطلاحاتی آسان - پروژه نشانه‌شناسی را به ما معرفی کرد. او به مخاطبانش گفت، نظریه نشانه‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه نیست، بلکه تأملی عملی در باب هرگفتمانی، و به‌عنوان نمونه جملات شفاهی است. نشانه‌شناسی به دنبال آشکار ساختن معانی پنهانی و زیرسطحی ارزش‌ها و دلالت‌ها در زندگی است. میمون و موز به شرح الگوی گریماس کمک کردند: کلیدهایی برای درک اینکه ما معنا را چگونه تولید می‌کنیم.

این اولین رویارویی ما با بنیان‌گذار شاخه اروپایی نشانه‌شناسی بود. در سال‌های بعد ما شانس ملاقات تعدادی از نشانه‌شناسان پارسی را داشتیم و در برخی از نشست‌های آنان حضور یافتیم. بنابراین از نزدیک قادر به پیگیری پیشرفت نظریه‌ای بودیم که بنیان‌های آن را در این کتاب کوچک، عرضه کرده‌ایم. در این کتاب، اشتیاق ما به نشانه‌شناسی با مردم زیادی از کشورهای مختلف به اشتراک گذاشته شده است. نشانه‌شناسی دیگر منحصر به تحقیقات ادبی و مؤسسات دانشگاهی نیست. نشانه‌شناسی، فراگیر شده است و دیگر محدود به پژوهش‌های ادبی یا نهادهای دانشگاهی نیست. تحقیقات بازاریابی، رسانه، حقوق و حتی گفتمان‌های دیداری و

---

1. Birkbeck College

2. Algirdas Julien Greimas

رفتاری ناچارند از روش‌های نشانه‌شناسی استفاده کنند. آن‌ها مانند ما باور دارند که نشانه‌شناسی همان‌طور که یک ابزار تحلیلی است، در کاوش برای تأثیرهای معنا هم مفید است و جواب‌های ممکن و حتی پاسخ‌های قابل‌پیش‌بینی را پیدا می‌کند. نشانه‌شناسی علاوه بر این‌ها، فرایند کشف - نظیر یک کاوشگر در کشوری غریبه - قلمرو متن یا گفتمان را می‌گشاید و برای درک عمیق‌تر و یافتن راه‌های جدید تفسیر با تهور به جست‌وجو می‌پردازد.

## چگونه از این واژه‌نامه استفاده کنیم؟

معنای کلمه‌ها یا اصطلاحات / عبارات ایتالیک شده در بیشتر موارد به مدخل‌های مرتبط، به شکل متقابل ارجاع داده شده است. برجسته کردن کلمه‌ها، منحصرأً جهت تأکید بر لغات خاص در بافت یک مدخل به کار رفته است. خط کشی زیر لغات برای برجسته کردن کلمه‌های خاص در مثال‌ها استفاده شده است.





## مقدمه

نشانه‌شناسی به‌عنوان یک نظریهٔ ادبی طی دو سه دههٔ آخر قرن بیستم، به شکلی فزاینده اهمیت پیدا کرده است و امروزه معمولاً در برنامه آموزش ادبیات دبیرستان‌ها و مطالعهٔ نظریه انتقادی گنجانده می‌شود. به‌علاوه، این مفهوم به بخشی از گفتمان رسانه‌ها درباره فیلم و تبلیغات در اروپا و سراسر جهان تبدیل شده است. با اینکه تحقیقات نظری در مورد این رشته - به‌ویژه در فرانسه - پیشرفت کرده است، هنوز برای افراد زیادی، «نشانه‌شناسی» به‌صورت معما مانده و بنابراین استقبال از آن محدود است. پیشنهاد این کتاب آشنایی محققان و همین‌طور دانشجویان و استادان آن‌ها با رویکرد نشانه‌شناسی است. طرح کلی کوتاهی از اهداف نظریه نشانه‌شناسی، تاریخچه و روش کار با آن عرضه شده، و در ادامه، تعریف اصطلاحات و نمونه‌های مورد استفاده در فرازبان نشانه‌شناسی<sup>۱</sup> در بخش مرجع آورده شده است؛ و درنهایت، مثالی از تحلیل نشانه‌شناسی به‌کاررفته در یک متن ارائه خواهد شد.

### نشانه‌شناسی چیست؟ نشانه‌شناسی یعنی چه؟

اصطلاح نشانه‌شناسی از لغت یونانی *sēmeion* به معنی «نشانه» مشتق شده است. پیش از این در قرن هفدهم، جان لاک،<sup>۲</sup> این اصطلاح را به *semiotika* ارجاع داده بود و آن را «دکترین نشانه‌ها... که کار آن پرداختن به ماهیت نشانه‌هاست تعریف کرده بود، که ذهن برای درک مسائل یا انتقال دانش خود به دیگران از آن استفاده می‌کند.»<sup>(۱)</sup>

---

1. Semiotic metalanguage  
2. John Locke

در کاربرد مدرن، مفهوم نشانه‌شناسی به نظریه دلالت ارجاع می‌یابد. تحت این عنوان، شاخه‌های مختلف نشانه‌شناسی وجود دارند. برای مثال، یک شاخه آمریکایی که شدیداً تحت تأثیر چارلز سندرز پرس<sup>۱</sup> قرار داشته و بر منطق و معنا متمرکز است، تبدیل به کانون زبان‌شناسی مرتبط با فلسفه شده است. قسمت اعظم کار پرس به پیشرفت مقولات نشانه‌ای نظیر تمایز بین تصویر<sup>۲</sup>، نمایه<sup>۳</sup> و نماد<sup>۴</sup> اختصاص یافته است.<sup>(۲)</sup> این رویکرد تا حد قابل توجهی با نشانه‌شناسی اروپایی، تفاوت دارد که به نمایندگی مکتب پاریس (اکول دو پاریس)<sup>۵</sup> و به وسیله<sup>۶</sup> ای. جی. گریماس پایه‌گذاری شده است. توجه اصلی مکتب پاریس بر ارتباط نشانه‌ها و نحوه تولید معنا درون یک متن یا گفتمان خاص است. در مکتب پاریس به شرح دقیق و با جزئیات نظریه‌ها و همچنین کاربرد آن‌ها به عنوان ابزارهای روش‌شناسانه برای تحلیل متنی اهمیت داده می‌شود. بنابراین، مکتب پاریس در مقایسه با کار پرس، رویکرد گسترده‌تری دارد و در تحلیل نهایی، کاربرد عملی بیشتری دارد. فرهنگ لغت حاضر کاملاً با نظریه‌ها و عمل این مکتب مرتبط است.

بر اساس دیدگاه مکتب پاریس، نشانه‌شناسی به وجود ساختارهای جهانی<sup>۱</sup> اشاره دارد که در لایه زیرین معنا قرار دارند و باعث تولید معنا می‌شوند. این ساختارها، مستعد بازنمایی در شکل‌الگوهایی هستند که به شکل معکوس نیز می‌توانند بر هر شیء دلالت‌گری جهت رمزگشایی و تفسیر آثار آن بر معنا، به کار روند. اما اهمیت دادن به ساختارها، به این معنا نیست که نشانه‌شناسی مترادف با ساختارگرایی - نظریه‌ای که منحصرراً با درک و توصیف ساختارها مرتبط است - می‌باشد. نشانه‌شناسی یک نظام نشانه‌ای نیست؛ یعنی نباید آن را با نشانه-معناشناسی<sup>۷</sup> اشتباه گرفت، و محدود به نظریه‌های رولان بارت<sup>۸</sup> هم نیست. در واقع، نشانه‌شناسی هدف بسیار گسترده‌تری دارد: این نظریه، مدعی کشف تولید دلالت است، هر دلالتی، نه فقط دلالت کلمه نوشته شده، بلکه معنا در همه لایه‌هایش و تا حد کاملش. بنابراین، نشانه‌شناسی،

---

1. C. S. Peirce

2. icon

3. index

4. symbol

5. Paris School, Ecole de Paris

6. universal structures

7. semiology

8. Roland Barthes

تمام رشته‌های علمی و نظام‌های دلالت‌گر و همچنین اعمال اجتماعی و روش‌های دلالت‌گر را دربرمی‌گیرد.

### تاریخچه کوتاه نشانه‌شناسی و مکتب پاریس

گریماس در سال ۱۹۸۵، در حال سخنرانی درباره‌گسترش نظریه نشانه‌شناسی، گفت: «نبوغ نظری من، اگر بتوانم این گونه‌اش بخوانم، نوعی بریکولاژ بود. کمی از لوی استراوس<sup>۱</sup> گرفتم و کمی به پراپ<sup>۲</sup> افزودم ...». او افزود به‌عنوان یک زبان‌شناس، بیشتر از دومزیل<sup>۳</sup> و لوی استراوس الهام گرفته است، «البته به‌استثنای سوسور و یلمزلف<sup>۴</sup>». (۳)

همه چیز در ابتدای قرن بیستم با فردیناند دو سوسور<sup>۵</sup>، زبان‌شناس سوئیسی شروع شد؛ او اولین کسی بود که از نظریه علمی برای مطالعه زبان استفاده کرد و این علم را با روان‌شناسی اجتماعی مرتبط ساخت. او اصطلاح سیمبولوژی را معرفی کرد و آن را شکل‌دهنده رابطه‌ی زبان‌شناسی و روان‌شناسی، تعریف کرد.

سوسور، زبان را یک پدیده اجتماعی می‌دانست. نقش مهم و زیاد او در این رشته، کشف این حقیقت بود که معنا در تک‌تک کلمه‌ها قرار ندارد، بلکه در نظام پیچیده روابط یا ساختارها قرار گرفته است. شعار او این بود: «معنا تنها در تفاوت وجود دارد.»<sup>۶</sup>

از دید او، ساختارهای زبانی را می‌توان با توصیف شکل کنونی شان (هم‌زمانی) یا شکل تاریخی شان (درزمانی) مطالعه کرد. شاید سوسور بیشتر به جهت تقسیم پدیده زبان به لانگ<sup>۷</sup> (نظام زبانی انتزاعی، زبان به‌عنوان نظام ساختاریافته نشانه‌ها) و پارول<sup>۸</sup> (پاره‌گفتارهای منفرد یا گفتار، با استفاده از نظام انتزاعی) شناخته شده است. اما سوسور در مطالعه زبان حتی فراتر رفت. او اصل ساختار را در نشانه یا کلمه به صورت منفرد به کار گرفت. به اعتقاد او، نشانه زبانی با رابطه دو جزء آن مشخص می‌شود: «صدا-تصویر» یا ماده اصلی که آن را دال<sup>۹</sup> نامید و «مفهوم» آن، که آن را مدلول<sup>۹</sup> نامید.

1. Claude Levi-Strauss

2. Vladimir Propp

3. Dumezil

4. Ferdinand de Saussure

5. Il n'y a de sens que dans la différence.

6. langue

7. parole

8. signifiant

9. signifié